

آزریاد

هر سه ماه منتشر میشود



<http://www.rastakhiz.org>
iran@rastakhiz.org

آزریاد

ارگان سازمان رستاخیز ایران



سال سه شماره ده تابستان 2569 شاهنشاهی - تابستان 2010 ترسایی

سالگشت مرگ شاهان ایران زمین رضا شاه بزرگ و شاهنشاه آریامهر



که در راه استقلال، رهایی و گردنفرای آریا بوم در بیگانه جا و بدست بیگانه جان باختند.

خجسته باد یکصد و پنجمین سالگشت خیزش مشروطیت ایران
که دستآورد های آن همچون قانون، عدالت، مساوات، امنیت، آزادی، استقلال، غیرت، غرور، سازندگی، توسعه و سربلندی، هنوز و همچنان استوارانه بر دل و جان و روان ملت ایران نقش بسته است و هرگز زوده نخواهد شد.

قیام مردم ایران

18 تیر ماه 1359 برای ایرانیانی که همچنان و هنوز دل براه ایران دارند، یادآور قیام به خون تپیده دلبرانه ای است که شایسته ترین فرزندان آریا خاک به امید رهایی میهن غرق به خون از چنگ دستاربندهان اشغالگر بر پا کردند.

اگر چه در جریان یک ترفند خائنه و یک بگیر و بستان بین الدولی و همچنین سرکوبی ددمنشانه و خونین از سوی رژیم اسلامی انسان ستیز، این قیام شوربختانه به پیروزی دست نیافت ولی این پیام را یکبار دیگر به گوش جهانیان رساند که درخشش و تابندگی، غور و غیرت و غنای زادگان ایران زمین، هرگز دربند سکوت نخواهد ماند.

پرویز قاضی سعید:

فلسطینیان روز هفدهم شهریور ماه
1357 در میدان ژاله تهران نبودند
رویه 5

قتل شاهنشاه آریامهر

بخش پنجم
رویه 3

رضا پهلوی، معامله سلطنت

بخش پایانی
رویه 3

به زودی

رادیو آریامهر

در سراسر گیتی

سخن رستاخیز

روبنده داران

"جهانخواران" همچون زالوهایی هستند که از آغاز عهد اکتشاف و جستجو و تصاحب به عُنْفِ «یافته شده» ها، خون مردم کشورهای به زور عقب نگهداشته شده را می مکند و رگ و پی آنها را می بلعند. و بی تردید آنچه از کودتا، انقلاب، جنگ داخلی، تجزیه، توطئه، جاسوسی، خرابکاری، خیانت، تروریسم، دین سازی، فحشا و اعتیاد، در این کشور ها آفریده می شود همه ریشه در بیش خواهی های لگام گسیخته جهانخواران دارد. بی هیچ گمانی جمهوری اسلامی غاصب زاده و ساخته همین جهانخواران است، که با فریب و دروغ و تردستی و بستن افترا و براه انداختن شایعه، بار ایران کردند و به زور به مردم پذیراندند. و آنچه از رنج و ستم و بدبختی در جهان سراغ داشتند بدست آوردند به ملت ایران روا داشتند.

برخی از افرادی که "فاجعه اسلامی" را به گردن مردم ایران گذاشتند، در پی رانده شدن از بارگاه خلافت شریعتمداران، به خارج آمدند و هر یک به ساز بیگانه ای بنای رقصیدن را گذاشتند. بعضی نیز در راستای یک ترفند اطلاعاتی از درون رژیم، زندان و یا محل مأموریت خود در خارج به همراه خانواده و دارایی و اسناد کافی دفعتاً! به خاک بیگانه به پناه آمدند، و دستاربندهان نواخته "شلنگ تخته" انداختن را شروع کردند.

شگفتا که اینان بی درنگ باز هم «آیین شاهنشاهی مشروطه ایران»، «شاهنشاه آریامهر» و «هواداران پادشاهی مشروطه» را آماج یورش قرار دادند، نه جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه را!

به هر رو باید گفت: پیش از فاجعه به ایران خیانت کردید، در جریان فاجعه به ایران خیانت کردید، در زمان جنگ با عراق به سود بیگانگان به ایران خیانت کردید، در حمایت از ولایت فقیه به ایران خیانت کردید و امروز هم سرگرم خیانت به ایران هستید. اگر به دستاویزهایی چند بار از دار مکافات خیانت جان به در بردید، این دفعه به یقین اقبال یاورتان نخواهد بود. سرنگونی رژیم اسلامی و روز سؤال نزدیک است.



شرق آسیا کانون بحران های خطرناک

از: دکتر حسن کیوده

دامن زدن به اختلافات بین کره جنوبی و شمالی ناشی از غرق شدن ناو جنگی کره جنوبی. نادیده گرفتن خواست دیرینه وجدی مردم ژاپن و خودداری از برچیدن پایگاه نظامی «فوتتا» واقع در جزیره اوکیناوا. فروش بالغ بر 6/4 میلیارد دلار اسلحه به تایوان و ناخشوندی مقامات چین.

پشتیبانی از «دالائی لاما» برای تنش آفرینی ادامه جنگ در افغانستان و برهم زدن امنیت حوزه هندوکش و احداث پایگاه های نظامی در مرزهای این کشور با همسایگانش شرق آسیا را به کانون بحران های خطرناکی مبدل کرده.

نخست وزیر ژاپن و عقب نشینی خفت بار او: در حالی که مردم ژاپن از ابتدا با احداث پایگاه «فوتتا» به مخالفت برخاسته و اجازه تاسیس آن را «نوعی خلعت بخشیدن به آفرینندگان جنایات هروشیما و ناکازاکی» تلقی کرده اند. اما به گزارش آسو. شیتند پرس «یوکیو هانویاما» نخست وزیر ژاپن در 18 ماه می در اوکیناوا وعده های انتخاباتی خود مبنی بر تلاش برای برچیدن پایگاه «فوتتا» را بدست فراموشی سپرده و اعلام کرد «در شرایط کنونی انتقال کامل آن پایگاه به محل دیگر و یا برچیدن آن امکان پذیر نیست» این در حالی است که ژاپن و آمریکا در سال 2006 پس از مذاکرات طولانی به توافق رسیده اند که پایگاه «فوتتا» از «گینوا» به شهر کوچک «ناگو» انتقال یابد. گفتنی است که هانویاما با سکوت حقارت آمیز در برابر زورگویی و تهدید وزارت دفاع آمریکا و زیر پا گذاشتن وعده های انتخاباتی خود نشان داد که وی نیز همانند سایر رهبران وابسته و بی اراده به منافع آمریکا بیش از مصالح ملی کشورش می اندیشد.

احداث پایگاه در دهانه آتش فشانهای خاموش: احداث پایگاه های نظامی در مناطق مختلف جهان بخش مهمی از استراتژی برتری جوئی آمریکا می باشد که او باما نیز آن را دنبال می کند اما ژرف اندیشی در دگرگونی چو سیاسی - نظامی جهان بعد از لشکرکشی و تجاوز به افغانستان و عراق جای تردیدی باقی نمی گذارد که در شرایط کنونی وجود این پایگاه ها نه تنها به تامین امنیت متحدان و دوستان آمریکا کمک نمی کند بلکه بمثابة پادگان هایی هستند که در دهانه آتش فشان های خاموش بنا شده اند. آتش فشان هائی که هر لحظه ممکن است دهان باز کنند و استخوان بندی نیروی نظامی آمریکا و هم پیمانانش را به دود و خاکستر مبدل کنند.



فاجعه اقتصادی گریز سرمایه ها فقر بی امان اقدام به موقع و سریع

از: دکتر فریبرز صدیقیان
مانده از شماره پیش...

اقتصاد، دانش است

بدنبال تشکیل دولت دهم و طی نشست در مجلس شورای اسلامی، نمایندگان فراکسیون اقلیت در حرکتی بی سابقه به نمایندگان اکثریت و هوادار احمدی نژاد سفارش و تاکید کردند که رییس جمهور دولت دهم باید «اقتصاد را یک علم بداند» و از مسائل دیگر جدا کند و متخصصان امور اقتصادی دولت، دستور بگیرد و فرمان بر دولت نباشند. هر چند که این نمایندگان از یاد برده اند که سی سال پیش و در هنگامه فاجعه اسلامی، امامشان گفت: «اقتصاد مال خر است» اما اینکه اقتصاد یک دانش است و احمدی نژاد و همکارانش چیزی از آن نمی فهمند، با آنها موافق هستیم، ضمن اینکه باید اشاره کرد که جایگاه جمهوری اسلامی از دید «اقتصاد، دانش بنیان» بایسته و پسندیده نیست.

گسترش فقر و رنج عمومی

این چگونگی در زمانی است که شاخص رنج بشری در جمهوری اسلامی بیش از 90 درصد اعلام شده و بر اساس آمار منتشره از سوی سازمان ملل متحد 35 درصد مردم ایران زیر خط فقر بسر میبرند و بیش از 12 میلیون نفر از آنها تنها روزانه یک دلار آمریکایی درآمد دارند. آمار دیگر از همین سازمان دال بر این است که حدود 85 درصد از ثروت کشور در اختیار کمتر از 15 درصد جمعیت ایران است. بدیگر سخن این 85 درصد زیر خط استاندارد زندگی میکنند.

توزیع نا عادلانه ثروت، فقر دیرینه، تورم لجام گسیخته، گرانی بی امان، نبود امید به آینده و عدم بهبود شرایط زندگی، بر خلاف مردان که در برابر رنجها و دشواریها، واکنشهای بیرونی چون دگر کشی، زد و خورد و پرخاشگری از خود نشان میدهند، بانوان ایرانی بیشتر واکنش درونی دارند و این امر اندازه افسردگی و خودکشی و بیماری روانی میان آنها را افزایش داده است.

بلای نفس گیر و بی امان بیکاری، تورم، گرانی و فقر، مردم و کشور را رویاروی با دشواریها و مسائل بی شماری در پهنه های گوناگون زندگی کرده است که قابل حل و گشودنی نیست. ژرفا و گستردگی این پیچیدگیها و مشکلات، چالشها و بحرانهای بنیادین فراوانی آفریده است. ادامه دارد



این ساز شکسته سخت ناکوک است

یادداشتی رُک و ضروری درباره شاه و شهیاران

از: دکتر مسعود خوشنود
«بخش پنجم»

مشکل حاکم

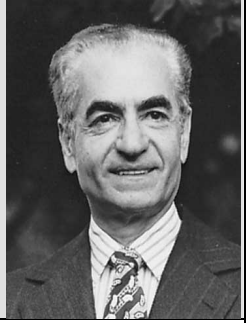
مشکلات و مسایل حاکم بر پیکار رهایی بخش و دشواری ها و پیچیدگی هایی که در این عرصه پا گرفته و حضوری انکار ناپذیر دارند و پی در پی نیز فزونی می یابند به دلیل بسیار روشن و مشهود، عدم وجود و پیدایی رضا پهلوی در حضور قانونی، عرفی، سنتی و راه آشنای مبارزه در پهنه پیکار است.

اسناد و مدارک، شواهد و سرگذشت پیکار به روشنی و قاطعیت گویای آنند که از همان لحظه ادای سوگند و پذیرش رسمی مقام پادشاهی و مسئولیت ها و وظایف ناشی از آن و بویژه موضوع مبارزه با رژیم اسلامی اشغالگر و براندازی هر چه سریعتر آن و نیز بازگرداندن نظام مشروطه پادشاهی و همچنین در درازای این سالهای به باد رفته، نخستین خواسته به حق و منطقی پیکارگران و مخالفین و دشمنان جمهوری اسلامی غاصب، همانا «رهبری» مبارزه توسط رضا پهلوی به عنوان پادشاه بوده است و همان اسناد و نمونه ها تأیید و تأکید می کنند که رضا پهلوی به هیچ روی و ترتیبی حاضر به پذیرش رهبری نشد و به ترفندهای گوناگون و رنگین از قبول آن سرباز زد، تا جاییکه در برابر فشار و پایورزی باورمندان مشروطه پادشاهی با یکدندگی و خودکامگی گفت: «من قبول رهبری نمی کنم و هر قدر هم اصرار کنید کسی را انتخاب نخواهم کرد».

راه به کجا؟

بیگمان او می تواند همه داشته ها، حقوق و حق مسلم و آشکار وارث پادشاهی و وراثت پادشاهی را نا دیده بگیرد، در باره آنها سکوت کند و حتا آنها را به مسلخ ببرد و بی محابا قربانی کند. ولی تا کجا می خواهد و می تواند پیش برود. انتهای این بازی به کجا پایان می گیرد؟ برپایی یک جمهوری اسلامی خالی از ولی فقیه و اصل ولایت فقیه، یا جمهوری فاقد اسلام و به اصطلاح سکولار، یا هرج و مرج و راه گشایی بسوی جنگ خانگی و تجزیه و پاره پاره کردن ایران زمین. به سخن دیگر سوزاندن برگ برنده پادشاهی مشروطه و انتفاء شاهنشاهی برای همیشه در ایران و زمینه چینی برای جنگ داخلی و تک تکه شدن نیا خاک.

ادامه دارد



قتل شاهنشاه آریامهر

«استعمار» پادشاه مظلومان جهان را کشت
به بهانه درمان سرطان غدد لنفاوی شاهنشاه ایران زمین را
به قتل رساندند

گزارش ویژه ای از: مهندس علی رضا ضیایی - بخش پنجم

پرواز پَر

فرح پهلوی در باره این دیدار تلخ و آگاهی از بیماری هراسناک شاهنشاه آریامهر، مینویسد: «در بهار سال 1356 پرفسور عباس صفویان، رییس دانشگاه ملی ایران، از من وقت ملاقات خواست. من در آن زمان در پاریس بودم و او نیز موقتاً در همان شهر به سر میبرد. تقاضای او کاملاً عادی به نظر میرسید. ما یکدیگر را خوب میشناختیم. بنابراین او را ملاقات کردم. او از من خواست که با سه تن از اطباء بسیار معروف فرانسوی، یعنی پرفسور برنارد، پرفسور میلیز و پرفسور فلاندرن ملاقات کنم. او گفت رازی را که این آقایان میخواهند با شما در میان بگذارند، بسیار اهمیت دارد و نمیتوان آنها را در سفارت ایران پذیرفت و می بایست در جایی با آنها ملاقات کرد که شاهدی نباشد.»

بر پایه همین نوشتار، این دیدار طی تدابیری در آپارتمان یکی از افراد خانواده فرح پهلوی [آپارتمان فریده دیبا] در پاریس صورت گرفت. او در باره این دیدار غم انگیز و خبر غیر منتظره خود مینویسد: «پزشکان به من گفتند که همسرم بیک بیماری خونی بنام «والدنستروم» مبتلا شده [کرده اند]، یک بیماری وخیم اما قابل علاج و حتی بهبودی.» «از سه سال پیش این اطباء همسر مرا معالجه میکردند و من به خواست خود شاهنشاه از این واقعه غم انگیز بی اطلاع مانده بودم. این ملاقات نیز بدون اجازه و بر خلاف نظر پادشاه انجام گرفته بود.»

معامله سلطنت

نظریه تحقیقی

از: دکتر امیر حسین امیر فیض - بخش چهارم

اشاره: دکتر امیر حسین امیر فیض حقوقدان، وکیل پیشین دربار شاهنشاهی و ناشر و نویسنده نشریه «سنگر» از مبارزان و اندیشمندان میهن پرستی است که از اعتبار و ارج و ارزشمندی بسیاری در میان ایرانیان برخوردار است. او که سا لیان دراز به رغم هشدار میهن پرستان بی دریغ از «رضا پهلوی» جانبداری میکرد، امروز به این نتیجه - البته بسیار دیر - رسیده است که به آیین و آرمان مردم ایران خیانت و بر سر آنها معامله شده است.

این حق آشکار و روشن مردم ایران است که بدانند در باره سرنوشت آنها و آینده ایران چه داد و ستد و بگیر بستانی شده است. به یقین گروهی نادان، جمعی مامور و مزدور و شماری چاپلوس و متملق چماق تکفیر را بر سر امیر فیض و ما خواهند کشید که باکی نیست. بر این باوریم که هیچ حقیقتی پنهان و هیچ خیانتی بی کيفر نخواهد ماند.

به دکتر امیر فیض باید بگوییم که جانا سخن از دل و زبان همه ایرانیان میگوید، و نوشداروی پس از مرگ سهراب اما.

اثر حقوقی معامله سلطنت

سلطنت مال وارث، و حق نیست که قابل معامله و اجاره و یا بخشش به غیر باشد. سلطنت حق مشروط ولیعهد است که به شرحی که قانون اساسی مقرر کرده آنرا تصدی کند. تکالیف مقرر در قانون اساسی قابل معامله و یا اعراضی نیست که معامله بر سر سلطنت چه با جمهوری اسلامی ایران و یا آمریکاییها و یا هر دو که نظر مشترک در قطع تداوم سلطنت داشتند باطل و غیر تنفیذ است و حتی آثار معامله فضولی هم بر آن منطبق نیست. یعنی بکل باطل و مبطل آثار آن است.

هر قرار و مداری بطریقی قابل فسخ است که خیرات هم در معامله وجود داشته باشد مگر تعهدات و الزامات ناشی از قانون که قابل نسخ و عدول نیست مگر با وضع قانون و نسخ قانون سابق.

براساس این حکم حقوقی، عدول اعلیحضرت از سوگند سلطنت و بلا تصدی گذاشتن سلطنت فعل قانون نبوده و لغو و بی اثر است.

از آنجا که منشا حقوق سلطنت ناشی از قانون اساسی [مشروطه پادشاهی] است، حقوق سلطنت تا چه رسد به تصدی آن، غیر قابل

درخواستی پاکدلانه

پنجم امرداد ماه سال جاری، مصادف است با سی امین سال جاودانگی اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی، به این ترتیب سی سال از «مرگ» شاهنشاه ایران می گذرد. بر پایه قوانین مدون سازمان های سیاسی، نظامی و اطلاعاتی در همه کشور های جهان، گذشت سی سال کافی است که اسناد و مدارک محرمانه تا فوق سری و نا گفته های پنهان داشته شده و حقایق پوشیده منتشر و در دسترس عمومی قرار بگیرد و این حق مردم بویژه کسانی است که سرنوشت خود و کشورشان در ارتباط با این اسناد رقم خورده و با آگاهی از مفاد آنها «حقیقت» و «واقیعت» و چگونگی ها و وارونه نمایی ها و دغلیکاری ها و گنه امور آشکار و افشا خواهد شد.

سپری شدن سی سال از جاودانگی شاهنشاه فرصتی است مغتنم که اگر سخنی، وصیتی، سفارشی بصورت نوشته و یا فیلم و کاست از سوی شاهنشاه، در باره اسرار و حقایق و مسایل پشت پرده رخداد ایران سوز 1357 و فروافکنی شاهنشاهی ایران و سلسله پهلوی وجود دارد منتشر شود.

این وظیفه و تکلیف غیر قابل انکار خاندان پادشاهی ایران خاصه شخص رضا پهلوی است. شاهنشاه آریامهر شخص مسئولی بودند و به کرات به این فروزه خود اشاره و تاکید کرده بودند از این رو به یقین در این باره از خود اسنادی بجای گذاشته اند که بی گمان روشنگر بسیاری از مسایل ایران خواهد بود و امروز نیز هنگام انتشار آنها است.

امیدواریم این درخواست پاکدلانه مورد توجه خاندان سلطنتی ایران قرار گیرد.

عدول میباشد. این چنین تصمیمات یکطرفه و غیر قانونی نه از مسئولیت سلطنت اعلیحضرت میکاهد و نه آنطور که خودشان ادعا دارند یک شهروند عادی شده اند. افراد همواره خیال میکنند با اظهاراتی که مینمایند، از خود رفع تکلیف و مسئولیت کرده اند که چنین نیست.

معامله سلطنت بوسیله اعلیحضرت [رضا پهلوی] از آنجا که معامله ای غیر قانونی و نامشروع است تابع فصل و شرایط عدول از قراردادها نمیشود، بلکه همواره زیر چتر استتکاف قرار دارد.

مثالی بیآوریم: چند نفر قرار میگذارند به جان کسی تجاوز کنند، این قرار اگر هم با قسم و کتبی باشد چون خلاف قانون و شرع است قابل عدول و نسخ نیست، بلکه همواره حق مسلم هر یک از آنان است که از انجام عمل خود داری و استتکاف کنند.

رفع اثر از معامله سلطنت بوسیله اعلیحضرت فقط و فقط نیاز به اراده و اعتقاد به حقانیت و تداوم سلطنت را دارد و بس.

نقش دستینه امیر فیض

روایت

هژبر یزدانی مُرد

بسیاری از بیگانه و زاده ایران در پاسبانی از بقای رژیم اسلامی سخت کوشیدند که شماری نه اندک از آنها در دوران طلایی گذشته خود را از هواداران آیین شاهنشاهی و غلام جان نثار "سلسله جلیله پهلوی" می نامیدند و چه چابلسیها و هزینه ها! که نمی کردند. اما در سیه روز یها، شاهنشاه و ایران را از یاد بردند و سر از آخور آخوند درآوردند. چه تمهیداتی که نچیدند، چه مزدوری ها و نوکری هایی که برای رژیم انجام ندادند و چه توبه نامه های ذلیلانه ای که ننوشتند و چه خیانت ها و آدمفروشی هایی که نکردند! همچون نمونه هژبر یزدانی که از میان آن همه ایرانی مرتبط با شریعتمداران تهران، آنقدر مورد وثوق رژیم و سر پاسدار محسن رضایی بود که پسرش، "احمد رضایی" را به او سپرد. هژبر هم که طاغوتی خوانده شده، معتقد به بهابیت است، باوری به اسلام ندارد، دارایی اش نیز مصادره شده، مفسد فی الارض و محکوم به اعدام است، بر پایه آن اطمینان و اعتماد، سراسیمه به آمریکا می رود و احمد را به کاستاریکا، محل اقامت خود، می برد و نگهداری و سرپرستی او را بعهده می گیرد و سالی چند بار نیز میزبان خانواده رضایی و دیگران می شود. ضپرش این است که آیا جمهوری اسلامی نیاز به وجود هژبر داشته است و یا این او بوده که با سرفرود آوردن و بندگی و پاکاری ویژه طرف اعتماد دستاربندان قرار گرفته است؟ مدارک زیر پاسخ پرسش بالا است.

دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانوی ایران

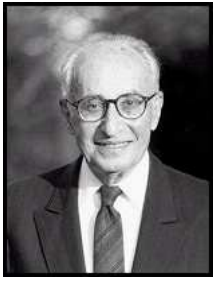
حضرت آقای هژبر یزدانی جعبه سیگار طلا با تاج برلیان و زمرد تقدیمی جنابعالی از لحاظ پیشگاه مبارک شهبانوی ایران گذشت حسب الامر، مراتب خوشوقتی خاطر معظم له ابلاغ می گردد. ضمنا در اجرای اوامر صادره چون قوطی سیگار قدیمی و مربوط به دوره پهلوی است عینا به وزارت فرهنگ و هنر فرستاده شد که با ذکر نام اهداء کننده در موزه پهلوی واقع در کاخ مرمر نگهداری کنند.

ستاد بزرگ ارتشتاران

آقای هژبر یزدانی مجلس مجلل و با شکوهی که به مناسبت زادروز خجسته والاحضرت همایون ولایتعهد ایران در هتل هیلتون ترتیب داده بودید و در آن چندین صد نفر مورد پذیرایی گرم و شایان توجهی قرار گرفتند عشق شدید جنابعالی را نسبت به سلسله جلیله پهلوی که همگی هر چه داریم از آنها است میرساند این احساسات در خور هر گونه تقدیر و تقدیس می باشد، لذا وظیفه نظامی خود دانستم که مراتب را به شرف عرض مبارک شاهانه برسانم و اجازه بگیرم که از این احساسات گرم و بی شائبه جنابعالی کتبا قدردانی نمایم که این اجازه را مرحمت فرمودند و خوشوقتم که بدینوسیله مراتب سپاس و تشکر خود رابه جنابعالی اعلام و از خداوند موفقیت و سلامت آن خانواده محترم را خواستار می باشم.
رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران
آرتشبد غلامرضا از هاری

راوی

غروب یک فرزانه



ماه گذشته، ستاره ای پُر فروغ و رخشان از سپهر نیلگون ادب و فرهنگ آریا بوم و پهنه خرد و خرافات سنیزی و پیکار برای رهایی اندیشه و میهن رخت بر بست و به ابدیت تاریخ ایران زمین پیوست.

«شجاع الدین شفا» از آخرین بازمانده های سلسله ای از فرزانشان ایران بود که آنچه امروز در میدان ادب و تاریخ و فرهنگ و خردورزی در دست داریم، از آنان است. خاموشی او تنها غروب یک ستاره درخشان آن هم در زمان وعده کرده شده ازلی و باید نیست. اندازه های گسترده این غروب، از تکرار نا پذیری های این انسان های بزرگ سخن می گوید.

شفا از فرزاندانی بود که دیگر کمتر همسانی می توان برای آنها سراغ کرد و از دست شدنش زیانی جبران ناپذیر برای جهان ادب و دانش و پژوهش بود.

اهتزاز درفش ایران



اواسط خرداد ماه هر سال در سوئد، جشن اتمام تحصیل دوره دبیرستان شور و هیجان خاصی به این کشور می بخشد. دانش آموزانی که این دوره را به پایان برده اند، دختران با پیراهن های سپید و پسران با کت و شلوارهای مشکی، با انواع اتومبیل و کامیون در خیابان ها به گردش در می آیند و شادی می کنند. امسال شهر مالمو در جنوب سوئد شاهد برافراشته شدن درفش سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران در این جشن ها بود.



رستاخیزی جوان "اشکان خوشنود" که با موفقیت دبیرستان را در رشته فیزیک ریاضی به پایان برده است، در تمامی مدت جشن درفش ایران را بدوش کشید و در شهر به حرکت درآورد. با آرزوی موفقیت های بیشتر برای اشکان عزیز.

بخش 6 برای مزید اطلاع

طرح ها و برنامه های حفاظتی از جمهوری اسلامی

طرح واگذاشتن پیمانداری و عدم وفاداری و زیر پا گذاردن سوگند سربازی نیروهای مسلح شاهنشاهی نسبت به شاهنشاه و ایران، از اهمیت ویژه ای در راستای برپایی فاجعه اسلامی دارد. روزنامه نگار و سیاستمدار سرشناس مصری حسنین هیکل در رابطه با اهمیت و ارزشمندی این طرح حیاتی راوی گفته ای از ابلیس بزرگ روح الله خمینی است که در برگ 260 کتاب او آمده است. «نمی توان به جنگ نیروهای مسلح رفت. باید زنجیرهایی که اعضای نیروهای مسلح در بند آن هستند یعنی سوگند سربازی و وفاداری و عادت اطاعت را در هم شکست.» ، «باید روح اطاعت و وفاداری را در ارتشیان از میان برد.»

همانگونه که در پیش گفته شد مجری این طرح ژنرال چهار ستاره ارتش آمریکا رابرت هویزر بود که با آمدن به ایران این طرح را به عمل در آورد و بعد ها نیز چند امیر و افسر خودفروخته و خائن آن را پی گرفتند.

دولت های بیگانه برپا دارنده فاجعه اسلامی از این واقعیت خوب آگاه بودند که موضوع فرمانبرداری و وفاداری و اعتقاد نظامیان به شاهنشاه و ایران، ریشه ای کهن و کنده نشدنی در فرهنگ و تاریخ و منش و آیین ایرانی دارد و مطمئن بودند که این ریشه قابل کندن و خشکاندن نیست. از این رو این طرح با تمهیدات و زمینه چینی مفصل و با حفاظت و احتیاط کامل از قوه به فعل در آمد.

مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، زبیگنیو برژینسکی در یادداشت های روزانه خود به تاریخ یکشنبه 11 فوریه 1979 برابر با 22 بهمن ماه 1357 می نویسد: «در نشست اضطراری بررسی اوضاع ایران که در کاخ سفید برپا شد دیوید نیوسام و وارن کریستوفر نمایندگان وزارت خارجه، ژنرال چارلز دونکان و ژنرال جونز از پنتاگون، تنی چند از سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)، سرهنگ اودم و گاری سیک از سوی شورای امنیت ملی شرکت داشتند. ما سه گزینه پیش رو را مورد بررسی قرار دادیم. دوست دار شما قلندر



جمعه سیاه

نقش فلسطینیان در کشتار میدان ژاله

گزارشی از: گروه گزارش آزریاد

* یاسر عرفات در مصاحبه ای با صفا حائری گزارشگر ایرانی، گفت: «چند ماه پیش از آنکه شاه کشور را ترک کند و رشته امور را به شاپور بختیار بسپارد، به درخواست خمینی و با کمک مصطفی چمران، حدود یک هزار نفر از نیروهای ویژه فلسطینی مخفیانه ولی با ساز و برگ رزمی به تهران آورده شده بودند. دستگاه تبلیغاتی خمینی و انقلابیون شایع کردند که اسرائیل به تقاضای شاه و برای حفظ رژیمش به ایران نیرو اعزام داشته است...»

* در نوامبر سال 2001 در یکی از سالن های سنای فرانسه به مناسبت سالگشت قتل شاپور بختیار مراسمی بر پا شد، در این نشست "پیر دو ویل موری" از نویسندگان سرشناس فرانسه که حدود 26 کتاب بویژه در باره خاور میانه نوشته و تا چند سال پیش همکاری نزدیکی با سازمان اطلاعات خارجی فرانسه داشت و در سال 1989 و پیش از فروپاشی شوروی مامور در برلن بود، صریح و آشکار چندین بار این تذکر را مستقیم و غیر مستقیم خطاب به ایرانیان حاضر در نشست گفت: «فکر نکنید که به این سادگی ها انقلاب کرده اید. این خیانت از پیش تدارک شده به فرمان انگلستان و آمریکا بود. و چون خمینی نمی توانست به ایرانیان در مورد کشتن بهترین فرزندان ایران اعتماد کند، از آنها کمک خواست و روسیه با دو هواپیماتعداد 400 تروریست فلسطینی را از یکی از اردوگاه های سوریه به فرودگاه مهرآباد آورد و تحویل خمینی داد...»

* پرویز رابین روزنامه نویس سرشناس که در سال 57 رییس خیرگزاری آسوشیندپرس در ایران بود نزد دکتر هوشنگ انور شهادت داده است که: «در جریان تظاهرات میدان ژاله به اعتبار موقعیت و مسئولیتی که داشتیم به میدان ژاله رفتیم. ناظر بودم که از بین جمعیت و همچنین از عقب جمعیت تظاهر کننده، به سوی سربازان تیراندازی شد و تظاهر کنندگان به تصور اینکه تیراندازی از سوی سربازان بوده است بسوی سربازان حمله می کنند و در نهایت هم نظامیان به تیراندازی می پردازند.»

دست نوشته، و شهادت و ادعای خطرناک و نادرست قاضی سعید در مکاتبه وی با دکتر امیر فیض (عبدالرحمن) ناشر سنگر در این باره به یقین روشنگر حقایق و مایه باز شدن مشت بسته او است که ملاحظه می کنید.

بازار کتاب و اطلاعات شد. کتاب نخست به مطالعه تاریخی در باره انقلاب اسلامی و کتاب دوم به مطالعه جامعه شناختی آن پرداخته است.

«در حالیکه مجموع کشته شدگان همه دوران شاه 3164 نفر بود، کشته شدگان دوران انقلاب میلیون ها نفر شده است. در 15 خرداد 42، در حالی که همه کتب و تواریخ معاصر تعداد کشته شدگان را تا 15000 تن بر آورد کرده فقط 32 نفر در سراسر تهران کشته شدند و در روز 17 شهریور 57 (جمعه سیاه) در میدان ژاله تنها 64 تن کشته شدند که دو نفرشان زن و دختر بچه بودند.»

* مهدی کربوبی بعنوان رییس بنیاد شهید در مصاحبه با تلویزیون جمهوری اسلامی در رابطه با کشته شدگان 17 شهریور گفت: «به گواهی پزشکی قانونی تعداد کشته شدگان آن روز تهران 64 نفر بود که یک تن از آنها دزدی بود که به اخطار پاسبان گشت شبانه توجه نکرده و هدف گلوله قرار گرفته بود.»

* خبرنگار ویژه هفته نامه معتبر آلمانی "پونته" که آن روز ها در ایران بسر می برد در راستای کشتار خونین میدان ژاله بدست فلسطینیان گواهی میدهد که: «من و یک خبرنگار آمریکایی برای تهیه خبر و عکس به طبقه اول ساختمان نیمه تمامی رفتیم. د آنجا شاهد بودیم که تعداد زیادی که در اول جمعیت هستند سر و صورتشان را شبیه اعراب فلسطینی با پارچه چهار خانه پوشانده اند و کلیه آنها مجهز به سلاح های خودکار روسی بودند. ناگهان دو نفر از آنها بطرف ساختمانی که ما در آن بودیم دویدند و در آنجا سنگر گرفتند و به مردم تیراندازی کردند که سه نفر از مردم کشته شدند. مردم به خیال آنکه سربازان آتش گشوده اند، دیونه وار حمله کردند. در همان ساعت نخست بیش از هفت سرباز کشته و یازده نفر بشدت مجروح شدند. دو فلسطینی که در همان دقایق اول به طبقه پایین آمده بودند و تیراندازی میکردند با تیراندازی متقابل سربازان کشته شدند. در این هنگام گلوله ای به قلب همکار آمریکایی من خورد که با کمک یک افسر فرمانده، او را به بیمارستان بردیم که بعد جسد او تحویل سفارت آمریکا شود.»

هفدهم شهریور ماه هر سال، یادآور یادمانه تلخ و تاریخی است که سی و دو سال پیش در مسیر فاجعه اسلامی بیگانه ساخته ایران در سال 1357 در میدان ژاله تهران رخداد.

دشمنان ایران و آیین شاهنشاهی مشروطه ایران به دستاویز جو ساخته شده از سوی پشت به میهنان و اجانب و رسانه های وابسته، در آن هنگام، دست به تبلیغات شدید و دامنه داری زدند و بهره های بسیار از شایعه سازی خود بردند. شمار قربانیان این رویداد خونین را تا هزاران تن برشمردند و در اطراف آن رطب و یابس فراوان بافتند. اما حقیقت آن بود که به تیراندازی و حمله کماندوهای فلسطینی که بدستور ابر قدرت ها و پایوری یاسر عرفات مخفیانه به ایران آورده شده بودند، تنها 64 نفر در آن روز شوم کشته شده بودند که نزدیک به یک سوم آنها از پلیس و نظامیان بودند و یک خبرنگار آمریکایی نیز در میان مقتولین وجود داشت.

بعدها منابع موثق جمهوری اسلامی شمار 64 کشته، نه هزاران را، اعلام کرد و یاسر عرفات نیز دخالت مستقیم کماندوهای فلسطینی را در رویداد های آن روزهای ایران را به صراحت تأیید کرد. شهادت گواهان و قرائن نیز نشان دهنده و اثباتگر حضور و دخالت فلسطینی ها و تیراندازی همزمان آنها بسوی مردم و نظامیان حاضر در میدان ژاله بود. اما دفعتاً پشت هم انداز عوامفریبی بنام "پرویز قاضی سعید" نوشت که چریک های فلسطینی در میدان ژاله حضور نداشتند و او فقط برای دفاع و نجات ارتشبد اویسی این موضوع را مطرح کرده است.

در صورتی که بر پایه گزارش های امنیتی، انتظامی، نظامی و مردمی کماندو های فلسطینی برپا کننده این کشتار دلخراش بودند و برای ایجاد درگیری و آفرینش "جنون خون" همزمان بسوی تظاهرات کنندگان و سربازان شلیک کرده اند.

باید افزود پرویز قاضی سعید در نشریه ایران تریبیون بارها به شاهنشاهی ایران و شاهنشاه آریامهر توهین کرده است و شایعات و دروغ های بسیاری علیه رضا پهلوی و دیگران ساخته و نوشته است.

مطالب و مدارک زیر را مورد امعان نظر قرار دهید و خود داوری کنید خائنان و نعل های وارونه را بهتر بشناسید.

* دو کتاب با عناوین «بررسی انقلاب ایران» و «تولد یک انقلاب» توسط عمادالدین باقی خبرنگار حزب اللهی و از یاران نزدیک احمد خمینی و چند سال پیش در تهران چاپ و روانه

و اما بعدشها دت شا هدکذاب

در تاریخ هفتم فروردین ماه سال ۱۳۶۶ برابر با بیست و هشتم مارچ ۱۹۸۲ نامه‌ای از آقای قاضی سعید به خط و امضای خودشان سنگرد دریافت داشت که در ۵ صفحه و در ارشیو سنگرموجود است .
در قسمتی از آن نامه که خطاب به عبدالرحمن است آقای قاضی سعید شهادتی داده است که در رابطه با واقعه میدان ژاله شهادتی کاذب و خطرناک و در عین حال بسیار بارز برای شورشیان و عورت ۱۵۷ است

شهادت ایشان چنین است

" بعد از اینکه برای تشکیل و تشکل یک سازمان نظامی مذاکراتی با ارتش بدحتم داشتم که ایشان رهبری آن سازمان را برعهده بگیرند و بجائی نرسید (که شرح آن مفصل است) من متوجه شادروان اویسی شدم تیمسار اویسی اعتقاد داشت که رژیم او را مسئول قتل ۱۲ هزار نفر در میدان ژاله معرفی کرده است و به او لقب قصاب تهران را داده است بنا بر این حضورشان بعنوان رهبر نظامی از طرف مردم داخل کشور پذیرفته نخواهد شد (این مسائل مربوط به سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ است) من (قاضی سعید) به تیمسار قول دادم که طی مدت کوتاهی افسانه‌ای را که رژیم از میدان ژاله ساخته است درهم شکنم (آقای دکتر مقصودش عبدالرحمن است) درست است که من علوم سیاسی خوانده‌ام اما متحاذ و از ۲۷ سال عمرم در روزنامه نگاری از یک سو و تبلیغات از سوی دیگر سپری شده است (بدین ترتیب بود که من (قاضی سعید) برای اولین بار در ایران تربییون که در آن روزگار مورد توجه خاص و عام در داخل و خارج از کشور قرار داشت این مسئله را مطرح کردم که جریکهای فلسطینی که محرمانه وارد تهران شده بودند از ساختمان های اطراف میدان ژاله برای اینکه قضیه حنبه خونین پیدا کنند به آن صورت انقلاب دهند مردم را به رگبار مسلسل بستند و سربازان ناچار به تیراندازی و دفاع از خود شدند این مسئله همانطور که گفتم برای اولین بار مطرح شد و چنان تبلیغات رژیم را درهم شکست ، سه روز بعد رادیو اسرائیل خبر را بنقل از ایران تربییون خواند شادروان اویسی ساعت ۲ بعد از نیمه شب به منزل من تلفن کرد و چون من خواب بودم و خانم نمیخواست بعلت خستگی مفرط مرا بیدار کند تیمسار اویستی به خانم گفت به فلانی بگوئید در مقابل این اندیشه و محبت و وطن خواهی هر چه بگوئی میکنم و هر چه بخواهی میدهم . روز بعد به تیمسار تلفن کردم و گفتم تیمسار از شما یک چیز میخواهم و انهم ایران است .
بعد از این ماجرا من این تورا همه جا در نوشته های ایران تربییون دنبال کردم و در سخنرانی ها و گفتوهای رادیوئی دنبال کردم (از صفحه سوم نامه ایشان)
فتوکپی دستخط ایشان نیز جهت ملاحظه ارائه میگردد .

بند بعد از آنکه مذاکرات طولانی با بعثان یک ایرانی روزنامه نویس با ارتش بدحتم برای آنکه تشکیل دهند یک سازمان نظامی را رهبر شدند ، بجائی نرسید (که شرح آن مفصل است) من متوجه شادروان اویسی شدم ، تیمسار اویسی اعتقاد داشت رژیم او را مسئول قتل ۱۲ هزار نفر در میدان ژاله معرفی کرده است و به او لقب قصاب تهران را داده است . بنا بر این حضور ایشان بعنوان رهبر نظامی از طرف مردم داخل کشور پذیرفته نخواهد شد (این مسائل مربوط به سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ است) من به

۴

بنا بر اریه قول دارم، طی دست گذاهی اصفانه ای را که رژیم از سیدان و آل سافیه است درم
 ام و دکتر دیت است که من علم بیجا خوانده ام، اما تجاوز از ۲۷ سال عمر در روزنامه نگاری
 کتبه و تبلیغات از سوی دیگر پیر شده است) بدین ترتیب بود که من برای اولین بار در ایران ترسیدم
 در آن روزگار در رتبه خاص و نام در داخل و خارج گذر داشت این شده را مطرح کردم که
 یک های تبلیغی که میماند در ایران شده بودند، از ساختمان های ایران سیدان و آل سافیه
 هم را جنبه خونی به جنبه دیر آن صورت انقلاب دهند، درم را به ریکبار لعل سینه و سر باز آن
 بار به سینه از آنجا بر جناح از خود پاشی دارند و در نیشم کرده ای که از ۲۲ نفر تجاوز نمی کردند گفته شدند
 این شده مانع که گفتم برای اولین بار مطرح شد و چنان تبلیغات رژیم را در هم شکست که سه روز بعد
 در ایران اسرائیل نجس فایس آک، خبر را به نقل از ایران ترسیدم خواند. شاد دروان ادبی است
 ۲۲ به از نیم شب به نزل سافلن کردند و چون من مگراب درم و خانم نمی خواست لعلت خنکی طرف
 را بجا بکنند، سینه اریه به خانم من گشته به فلانی بگید در تقابل این از رژیم و صحبت در رفتن خدای
 چه بگفتی بیگم مرز به بخدای سیرم ... و روز بعد من به سینه اریه تلفن کردم و گفتم :
 سینه از شما یک چیز می خوام در آسم ایران است.

نکته های مشخص در شهادت ایشان

اولین نکته مشخص، اغنیزی است که بسوی عبدالرحمن خالی کرده است و آن این است که
 " برای تشکیل و تشکل یک سازمان نظامی با ارتش دجم و او بیسی ملاقات و مذاکره کرده است
 توضیح اینکه این اغنیزی فقط بسوی عبدالرحمن شلیک شده است و چنانکه خواهید دید در گزارشی
 که بعداً و در سال ۸۱ در عصر امروز منتشر ساخته از آن اغنیزی ها نیاورده جزا که دانسته بود که
 این اغنیزی ها نه تنها خریداری ندارد بلکه اسباب خنده دیگران هم میشود
 نکته دوم - نقل قول از ارتش دج و بیسی است که گفته است "حضورشان بعنوان رهبر نظامی از طرف
 مردم داخل کشور بیعت نوحه اتهام کشتار میدان و آل پذیرفته نمیشود"
 این نکته گویای این مسئله است که تیمسار او بیسی به ملاحظه همین اتهام از فعالیت های نظامی
 و سیاسی زیر عنوان رهبری خودداری میکرده است
 نکته سوم - وعده قاضی سعیدیه تیمسار او بیسی است که طی مدت کوتاهی افسانه ای را که رژیم از
 میدان و آل ساخته در هم بریزد
 به چه طریق این افسانه را بهم بریزد و یا خواهد ریخت؟ خود قاضی سعید پاشا انرا در همین گزارش

ایران یارگرمی آقای قاضی سعید

پنجم دیماه ۱۳۸۱

" در مقاله " شاه فقیدیک معماست " اعلام داشتهاید که " برای اولین بار این راز افاش کردم که کشتار میدان ژاله بوسیله عوامل فلسطینی انجام گرفت نه بوسیله سربازان ارتش ایران و نه بدستور تیمسار اویسی بلکه از شب قبل تیراندازان فلسطینی که بدستور یا سرعرفات محرمانه

....."

خواهشمنداست دلایل اصالت این راز را که شما ادعا کردهاید اعلام دارید یا به سنگرو یا در عصر امروز علت این درخواست این است که سرکار در گزارشی که به خط و امضای خودتان نوشتهاید، مسئله حضور و دخالت فلسطینی را در واقعه میدان ژاله یک موضوع تبلیغاتی ساخت خودتان گزارش کردهاید با احترام و ارزوی پیروزی - سنگر

اما پاسخ قاضی سعید به سنگر

آقای قاضی سعید در پاسخ به ذس سنگرفکسی فرستادند که عینا ملاحظه میفرمائید



Parviz Ghazisaeed : Tel: 818 701137 - FAX: 818 3405035

Journalist

فرزاد نازین - ایران یار مجید

دوشنبه ۱۳۸۱

هفته دکتۀ عبدالرحمن عزیزی

پست دوم، رامهرمز ۲۰۰۹

با درود و سپاس از آنکه گاه یادها از من بمانند

و همین با مباحث از آنکه حالات ارزنده را ادرت و حاله نیرانید

در پاسخ نگاشته ام روز تا برفض بیایم:

دوست یایانی نامه شما درست است. ز دوست نیرانید که

پیکار روانی « جنگ نفس از اصول مبارزه با فاشیسم نیرانید -

با توجه به مراتب ادرت

و باید روزی در ایران شما را دیدم

بر روی کاغذها



یادداشت‌های سردستی

دکتر مسعود خوشنود

چرا وصیتنامه سیاسی پادشاه منتشر نشد

در پس گذشت سی سال از پیوستن شاهنشاه آریامهر به ابدیت تاریخ ایران، هنوز و همچنان بحث اصلی شخصیت‌های سیاسی ایران این است که چرا وصیتنامه سیاسی شاهنشاه که ایشان شخصا در نشست پنهانی و محدود بلند پایگان کشوری و فرماندهان نظامی ایران قرائت فرمودند و سپس نسخ کتبی آن در اختیار باشندگان قرار گرفت، منتشر نشده است.

شمار بسیاری از رجال، دولتمردان و امرای ارتش شاهنشاهی که از وجود این وصیتنامه آگاهند و هنوز اشاره‌ها و کنایه‌های شاهنشاه را در این باره به یاد دارند، همچنان این پرسش را در پیش روی دارند که انگیزه عدم انتشار و پنهان ماندن این وصیتنامه که تکلیف استمرار آیین شاهنشاهی و جانشینی و همچنین وظایف و مسئولیت‌های نایب السلطنه، ولیعهد و نیروهای کشوری و لشگری را روشن میکرد، بویژه در این دوران خطیر سرنوشت و هستی ایران، چیست؟

به نوشته کتاب «من و شاه» به قلم امیر اسدالله علم، که متن کامل وصیت نامه شاهنشاه آریامهر در آن درج و دستمایه آگاهی از وجود وصیتنامه شد، نسخی از این وصیتنامه در

مته به خشخاش

همه دست پروردگان ابلیس

گزارش به مردم، خاطرات سیاسی یک دیپلمات جمهوری اسلامی

بسیاری از هموطنان شاید فیلم "همه مردان رییس جمهور" و تلاش‌های بی‌پروایانه دو خبرنگار بخش سیاسی روزنامه پُر نفوذ و سرشناس واشینگتن پُست را در برملا کردن واقعه معروف "واترگیت" و کناره‌گیری شجاعانه و مسئولانه پرزیدنت ریچارد نیکسون را دیده و به یاد دارند.

رویداد ی سیاسی که دریچه‌ای متفاوت و نو به دنیای خبر و خبررسانی و آگاهی و بویژه خویشکاری و تعهد یک خبرنگار و یا یک نویسنده گشود. و راه و راهی را که برای نمایاندن و آشکار کردن برنامه‌ها و مسائل پنهان و سری و فوق سری بی‌مهابا باید پیمود، نشان داد.

هر چند شماری بی‌باکانه و جسورانه راه به جهان روشنایی و آدمیت و منش و حقیقت کشیدند و دلاورانه افشای پلیدی‌ها و زشتیها

اختیار فرح پهلوی بعنوان نایب السلطنه، امیرعباس هویدا نخست وزیر، جعفر شریف امامی رییس مجلس سنا، عبدالله ریاضی رییس مجلس شورای ملی، محمد باهری معاون کل دربار شاهنشاهی، نصرت الله معینیان رییس دفتر مخصوص شاهنشاهی، جمشید آموزگار دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران و ارتشبد از هاری رییس ستاد بزرگ ارتشتاران، قرار گرفت.

نسخه اصلی وصیتنامه و همچنین نسخ دفتر مخصوص شاهنشاهی، نایب السلطنه، دکتر محمد باهری و به قولی، جمشید آموزگار، نخست وزیر پیشین، از کشور خارج شد. روشن نیست که بر نسخ نخست وزیری و نیز مجلس شورای ملی چه گذشته است، اما نسخه ی ارتش در اختیار «عباس قره باغی» آخرین رییس ستاد بزرگ ارتشتاران قرار داشت که با خمینی و ژنرال رابرت هایزر تباری کرد و به حتم تسلیم آخوندها کرده است. و به این صورت سه نسخه از این وصیتنامه در چنگ رژیم اسلامی قرار گرفته است.

چرا دارندگان وصیتنامه، فرح پهلوی، رضا پهلوی و دکتر محمد باهری، و همچنین مطلعینی چون معینیان، از هاری، شریف امامی و آموزگار و آگاهانی مانند اردشیر زاهدی، امیر اصلاان افشار و بعضی از خاندان سلطنتی و امرای بلند پایه ارتش شاهنشاهی در درازای این سالها در این باره بگونه شگفت انگیزی سکوت کرده اند؟ و حتا فرح پهلوی بعنوان «ملکه» و نیز «نایب السلطنه» در اقدامی

و انسان ستیزی‌ها و پیکار با آن را وجهه همت خود قرار دادند. و شوربختانه برخی سفلگان و فرومایگان، آخوندوش، خود را در آغوش تباہی و سیاهی غرقه کرده و عمه تاریکی و پستی و ردالت شدند و خودخواهانه و کاسبکارانه به آب کشیدن جا نماز خود پرداختند. اینان با ارتکاب به نوشتن کتاب و پراکندن خبر و شایعه که سر نخ آن در دست قدرتمندان و جهانخواران است مذبوحانه می‌کوشند که سیاهی و تاریکی را بر روان و چان عوام و مخاطبان خود غالب و حقنه کنند و شاه ماهی را از آبی که گل آلود کرده ند، به دام کشند. صیادانی که خون هزاران انسان بر دستان خون آلودشان سنگینی می‌کند البته نه بر وجدانشان چرا که اساسا دارای وجدان نیستند. اینان گستاخانه و وقیحانه کوشش در فریب مردم و عوامفریبی و به بی‌راهه کشاندن افکار انسان‌ها می‌کنند و به گمراهی مردم و مسخ‌آنا کمک می‌رسانند.

دقیقا امری که جهانخواران و زورمندان و رژیم اسلامی اشغالگر ایران از انتشار و پراکندن این کتاب‌ها و اخبار و اطلاعات غلط چشمداشت و انتظار دارد.

شتابزده و ناپسند بیدرنگ پس از درگذشت شاهنشاه، وصیتنامه ای قلبی را به قلم «هوشنگ منتصری» که سالهاست در آغوش «آخوند» جا خوش کرده و از مزایای! بسیاری بهره مند شده و سرتیپ «جواد معین زاده»، تهیه و به وسایل گوناگون به مردم پذیراند، اما از وصیتنامه حقیقی سخنی به میان نیآورد.

آنچه که این موضوع را بیشتر در پرده ابهام قرار میدهد و خبر از یک «معامله» پنهانی و «ساخت و پاخت» ی پلشت میدهد، این است که چرا سران رژیم اسلامی متن این وصیتنامه را که با اهمیت ترین سند تاریخ معاصر است تا کنون منتشر نکرده اند. و این در حالی است که نامه‌ها و اسناد پیش پا افتاده خاندان سلطنتی و دیگر رجال و بلند پایگان کشور را بوسیله افراد اطلاعاتی در کتب و رسانه‌های مختلف منتشر و حتا به جعل اسناد و تحریف تاریخ و رویدادها پرداخته‌اند.

ظاهرا انتشار متن وصیتنامه سیاسی شاهنشاه ایران نه به سود جمهوری اسلامی است و نه بسود «اوصیاء»

دارندگان وصیتنامه و دیگر آگاهان نیز به یقین تطمیع، تحبیب و یا تهدید شده‌اند که به ضرر مردم ایران سکوت کنند و به این ترتیب «انسانیت» را به حراج بگذارند. و گمانی نیست که حقیقت میتواند مدتی در حجاب درنگ و فراموشی جا خوش کند، اما بی هیچ دودلی در نخستین گاه با همه نیرو و توان حجاب را خواهد درید و خود را به رخ خواهد کشید.

گمانی نیست که "داوری" یک جانیه پذیرفتنی نیست، زیرا "داوری" دستآمد "اثبات نفی و نفی اثبات" است. در حقیقت "داوری" پی بردن و آگاهی عقلی و یا قانونی به گُنه دعوی و اتفاقات است که پس از گوش فرا دادن به "ادعا"ی مدعی و پاسخ و دفاع مدعی علیه و دقت و بررسی شواهد و قرائن در "داور" و یا قضاوت کنندگان و اشخاص پدید می‌آید.

از این روی داوری یک سویه محل اشکال و قابل قبول و بکارگیری نیست و به همین دستاویز قضاوت یک طرفه فاقد پایه و اساس عقلانی، حقوقی و اخلاقی است و گواه بارز "تنها به قاضی رفتن و راضی و شادمان بازگشتن است". بنا بر این باید به دیده شک و دودلی به این گفته‌ها و کتاب‌ها نگریم و آنها را به نقد کشید و پاسخ داد. به این ترتیب از داوری‌های نادرست و گفته‌های دروغ و پندارهای زهر آگین پیشگیری می‌شود و نویسنده آن و ماموریتش افشا می‌شود. سازمان‌های جاسوسی بیگانه و جمهوری اسلامی نیز از دادن پول و دیگر امکانات به این موجودات حقیر و فرومایه خود داری می‌کنند.

مته چی مانده در شماره آتی

سیاس

از همه میهن پرستان گران مایه که با بزرگواری ویژه بیاد یاران خود در سازمان «رستاخیز ایران» و «آزریاد» بودند و از برای فرا رسیدن نوروز 2569 شاهنشاهی ما را قرین مهربانی های خود نمودند و با روانه کردن شادباش های نوروزی، "هفت شین" ما را درخشندگی و دل های آرزومند ما را شادی بخشیدند، پاک دلانه سپاس بسیار داریم. نوید شورانگیز بهاری نازنین یاران، افتخارها برایمان به همراه داشت و بی هیچ گفتگو آنها را به معنای از سرگیری دوباره و نو کردن میثاقی جاوید و اشویی میان خانواده بزرگ رستاخیز ایران و آزریاد تلقی می کنیم. بهر روی، آرزومندیم سال پیش رو سال بوسه زدن بر خاک خوب و خونین میهن و سال تابندگی غرور و غیرت و غنای ایرانی باشد. و باز هم سپاسگزاریم.

گرشمه کلمه

آنچه می خواهد دل تنگت، بنویس!

عزیزان نادیده ام

از انتشار آزریاد به تازگی مطلع شدم و از مطالعه آن بسیار لذت بردم. برای گشودن باب آشنایی بیشتر به اطلاع می رسانم که چندی پیش آخوندی بنام موسوی در تهران مُرد که جمهوری اسلامی سر و صدایی در اطرافش بر پا کرد. این آخوند، پدر محسن موسوی دیپلمات تروریست دستگیر شده در بیروت در بیست و چند سال پیش بود که از سرنوشت او و سه نفر همراه او خبری نیست. خواستم بگویم همه دیپلمات های جمهوری اسلامی که تروریست هم هستند بچه آخوندند و خیلی هم خودی.

مهدی اسدی نایینی

باتو ش. م، بانو میترا کاظمی، دوشیزه فرانک شمس، آقای همایون د. از ابراز مهر و صمیمیت شما گران ارجان بی نهایت سپاسگزاریم.

آقای بهمن جازویه، سوئد

تصویر سندی را که خواسته بودید بوسیله ای - میل برایتان روانه کردیم. موفق و سربلند باشید.

آقای ایرج پدرلو، نروژ

با سپاس از مهر همیشگی، خواستتان انجام شد. تندرست و سرفراز باشید.

سرکار بانو الناز فرهمند، اسپانیا

گمانی نیست که «آریا بوم» با وجود و حضور آریا دخت هایی چون شما هرگز از پای نخواهد افتاد. این را جاودانگی ایران زمین است. بهترین های جهان را برایتان آرزومندیم.

ترور نیز بی فایده بود و سیستم ادامه می یافت و ولیعهد جانشین پدر می شد و ایران بسوی شوری میرفت.

پس انقلاب آن هم از نوع اسلامی بهترین راه بود که غرب به تمام اهداف خود میرسید و کمربند سبز کامل میشد.

برای بوجود آوردن انقلاب نیز باید زمینه چینی کرد، شاه و اقدامات او را بد نام و خراب کرد، مردم را باعوام فریبی تحریک و تشویق کرد و همزمان برای خمینی مشروعیت و محبوبیت و معروفیت تهیه کرد.

پاسخ سوم:

بهترین محل تهیه برای تامین هزینه براندازی، شرکتهای بزرگ چند ملیتی نفت بود که به سادگی هزینه لازم را قبول و پرداخت هم کردند.

البته این نخستین بار و یا آخرین بار نبود که شرکتهای چند ملیتی هزینه سرنگونی حکومت ها را تامین میکردند.

ادامه در شماره آینده...

بهشتی، رفسنجانی و ... در تماس با بیگانگان بودند و می توانستند به راحتی خمینی را کاملا کنترل کنند. یزدی و بنی صدر و قطب زاده از دوستان نزدیک ریچارد کاتم بودند و ابراهیم یزدی سیتی زن آمریکا و عضو سیا با نام مستعار جک بود که بهنگام آمدن به ایران لیستی حاوی چند هزار نام از دولتمردان، نظامیان، و مقامات اطلاعاتی کشور داشت که باید همه آنها کشته و یا زندانی و یا از کشور رانده میشدند.

پاسخ دوم: راه کارهایی که برای کنار زدن شاه وجود داشت:

الف: جنگ

ب: کودتا

پ: ترور شاه

ت: انقلاب

جنگ و کودتا منتفی بود چرا که نه بهانه ای در دست بود و نه امکانی، ارتش ایران بسیار قدرتمند و وفادار به شاه بود و کشورهای شوروی و چین در مقابل هجوم غرب به ایران ساکت نمی نشستند.

گفتنی اینکه سازنده این فیلم سید هاشم میرلوحی پسر نواب صفوی رهبر معروف عملیات گروه فداییان اسلام است که بعنوان مورخ و پژوهشگر به خورد بینندگان داده اند. فداییان اسلام مسئول قتل آشکار و نهان شمار بسیاری از فرزندان ایران در دهه بیست و بعدها هستند. این گروه شعبه ایرانی سازمان اخوان المسلمین مصر است که شایع است توسط سازمان اطلاعاتی انگلستان به هدف استعمار بیشتر کشورهای و ترور "هدف" های مورد نظر بریتانیا بوجود آمده است.

آخوندان میلانی، کاشانی، خمینی، خامنه ای، رفسنجانی، منتظری، مطهری و خلخالی از رهبران این سازمان در ایران بودند و هستند.

نقش غرب در فاجعه 1357 ایران

از: اشکان خوشنود

اشاره: پایان نامه زبان فارسی اشکان خوشنود نوجوانی که در برون از آریا بوم زاده شده و هرگز بخت دیدار میهن خود را نداشته است در بر گیرنده نکته ها و آگاهی هایی بود که دریغ مان آمد که به دست انتشار سپرده نشود.

این پژوهش نشاندهنده مهر و دلبستگی ژرف نسل امروز به ایران، آیین پادشاهی و انزجار از حکومت خون و بیداد است. با سپاس میهن پرستانه از اشکان گرمی که پروانه انتشار این نوشتار را به ما ارزانی داشت. **آزریاد**

ث: بدلیل مذهبی بودن، خمینی و رژیم او به یقین ضد مدرنیسم و صنعتی کردن ایران بود. ج: خمینی سرسپرده غرب بود و بزبان دیگر نفت بی هیچ دردسری در اختیار غرب قرار می گرفت.

گفتنی اینکه مشاوران و اطرافیان نزدیک خمینی چون ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی صدر، صادق قطب زاده، حسن حبیبی،

معبد تاریکی

تلویزیون جمهوری اسلامی مرتکب ساخت و پخش فیلمی بی محتوا و بی سر و ته به نام "آرمگدون 3" یا معبد تاریکی شده است. این فیلم در باره سازمان های پنهان و عملیات مخفی یهودیان بویژه به هنگام ایجاد کشور اسرائیل و تشکیل دولت یهود در آن سرزمین است که بیشتر سبب آفرینش رعب و هراس از یهودیان میشود تا دستاویز کینه و انتقام و یا حتا دانستن و فرا گرفتن که این خود نشانگر توهم و نادرست انگاری سازنده و پردازنده آن و مسئولان دستار بسر و بی دستار این پروژه، و نیز دستگاه ها و سیاست تبلیغاتی جمهوری اسلامی است.

که ایزد در بیابانت دهد باز!

در جریان مهمانی سفارت ج.ا در پاریس، چند دانه از طرفداران موسوی و آخوند کروبوی به این مهمانی رفته و شروع به شعار دادن می کنند. کارکنان و ماموران سفارت به همراه پسر سفیر آنها را با زدن کتک بسیار از سفارت بیرون می کنند و در این میان زن سفیر نیز دختر پر رویی از سبزه را در اتاقی حبس کرده و او را بشدت کتک می زند و راهی بیمارستان می کند.

ایکاش خانواده مقامات نظام پیشین این اندازه شعور و غیرت داشتند و ایکاش امروز هم ...

گفت و گویی با اردوان خوشنود، نامزد نمایندگی پارلمان سوئد

گفتگو از: ژاله رضایی

اشاره: بسیاری از پیکارگران پهنه رهایی ایران و بسیاری از خوانندگان «آزریاد» اردوان خوشنود را می‌شناسند. کوشش او برای آزادی نیا خاک، احترامش به آیین شاهنشاهی و شاهان ایران زمین بویژه شاهنشاه آریامهر، تلاشش برای براندازی و سرنگونی جمهوری اسلامی اشغالگر و عشق و دلبستگی به انسان‌ها، حقیقت، پاکی و راستی و یا همان منزه طلبی او زبازند و مورد تحسین و ارج نهی همگان است.

اردوان نمونه ساده یک جوان موفق و تحصیل کرده در برون از کشور به جان بسته اش است که از نو جوانی در میدان مبارزه حضور داشته و جنگیده است. اردوان دانشجوی ترم آخر پزشکی دانشگاه لوند است و همزمان دانشجوی رشته تجزیه و تحلیل اطلاعاتی و نیز دانشجوی خاورمیانه شناسی در دانشگاه لوند می‌باشد. او همچنین واحد‌های پراکنده‌ای در اقتصاد و حقوق گذرانده است. تا به حال نیز دو مقاله تحقیقی در عرصه پزشکی نوشته است که بزودی بدست انتشار خواهد سپردناست. او عضو حزب "دموکرات مسیحی" سوئد است و از سوی این حزب نامزد نمایندگی مجلس این کشور و همچنین نامزد شورای استان "اسکونه" و نیز انجمن شهر "مالمو" برای چهار سال آینده شده است.

اقامت دارند می‌توانند در برگزیدن اعضای شورای استان و انجمن شهر شرکت کنند.

ژ: اشخاصی که علاقمندند به شما رای دهند چه باید بکنند؟

ا: از جاییکه من نامزد نمایندگی از شهر مالمو هستم بنابراین تنها کسانی که در مالمو زندگی می‌کنند می‌توانند به من رای دهند. من در لیست مجلس شماره چهارم، در لیست شورای استان شماره ششم و در لیست انجمن شهر شماره هشتم هستم و عزیزانی که مایل هستند به من رای دهند می‌توانند در برابر نام من در این لیست‌ها ضربدر زده و به صندوق‌ها بیاندازند.

ژ: جز موضوع آزادی آریا بوم و استقرار یک نظام دموکراتیک، چه مسایل دیگری برایت در الویت است؟

ا: دروسی را که من در کنار رشته پزشکی

می‌خوانم حکایت از علاقه من به مسایل سیاسی و اجتماعی دارد. از این رو موضوع‌هایی چون خدمات پزشکی، مبارزه با بی‌اخلاقی، اعتیاد و مواد مخدر، ارتکاب به جرم و خلاف کاری و همچنین مسایل سیاست خارجی و امنیتی در الویت نگاه من به امور دارد. ضمن این که در همه



این‌ها نیاز به اصلاحات گسترده‌ای است. بطور نمونه مبارزه جدی با بزه کاری و قانون شکنی در همه ابعاد و زمینه‌ها و به اشکال گوناگون باید در الویت قرار گیرد تا امنیت و آسایش خاطر مردم فراهم شود.

ژ: به عنوان یک جوان موفق، چه توصیه‌ای به دیگر جوانان ایرانی داری؟

ا: توصیه که خیر اما، از جوانان ایرانی در سراسر جهان و بویژه در ایران صمیمانه می‌خواهم که جایگاه والای ایران را در درازای تاریخ پُر فراز و نشیب ایران از یاد نبرند و به ایرانی بودن خود و فرهنگ ایران زمین که راز جاودانگی ایران است بیابند، و بکوشند با دره شکستن جمهوری اسلامی بار دیگر ایران را به همان جایگاه رفیع و گردنفرزانه و انسانی خود برسانند. سرمایه حقیقی هر سرزمینی جوانان آن است و جوانان ایران مسئولیت بزرگی را به دوش خود دارند. آنها باید ارزش و ارجمندی انسان‌ها را راسر لوحه زندگی خود قرار دهند و بویژه از کسب دانش و تحصیل غافل نشوند که برای ساخت دوباره ایرانی آزاد و آباد و آسوده به جوانان کار بلد و کار دان و سر آمد نیازمندیم.

ژ: برای حُسن ختام اگر ممکن هست یکی از مهمترین تجربیاتت را پس از سالها فعالیت سیاسی در احزاب و جامعه سوئد بیان کن.

ا: برای اینکه زیاد وارد معقولات نشویم تنها اشاره‌ای گذرا دارم که تجربیات نشان می‌دهد نظام سیاسی کنونی سوئد که بر پایه و بنیان دموکراسی و قدرت مردمی بنا شده است به اصلاحاتی البته کمی هم گسترده نیازمند است که تأخیر در این اصلاحات سبب زیان‌ها و هزینه سنگینی خواهد شد.

ژ: اردوان گرانقدر برایت آرزوی موفقیت‌های بیشتر و بزرگتری داریم. ا: من هم از شما متشکرم.



ژ: با سپاس که این گفتگو را پذیرفتی. از تلاش هایت برای رهایی ایران آگام، در استمرار و ادامه این کوشش‌ها در جامعه سوئد و بویژه در پهنه سیاسی و تأثیر گذار این کشور برای ایران چه کرده‌ای؟

ا: برای اینکه تلاش‌های سیاسی و مبارزاتی خود را شکلی ببخشیم و در واقع سازماندهی کنیم، سال‌ها پیش "انجمن دموکراسی برای ایران" را بنا کردیم و از طریق این انجمن به تماس و گفتگو با بلند پایگان و دولتمردان و رسانه‌های همگانی سوئدی پرداختیم و در حقیقت از راه این

انجمن علیه جمهوری اسلامی «لابی» کردیم و البته به موفقیت‌های بسیاری دست یافتیم. با این آرمان که بهترین راه رهایی و نجات ایران تحریم همه جانبه رژیم اسلامی و براندازی هر چه سریعتر آن است.

ژ: خوب نامزد نمایندگی مجلس سوئد هستی، اگر انتخاب شوی برای ایران و رهایی آن چه خواهی کرد؟

ا: مسئله ایران همیشه برای من بسیار مهم است، و چنانچه به نمایندگی مجلس و یا دو نهاد مردمی دیگر برگزیده شوم به حتم موضوع ایران و افشای جنایت و ستم و بیدادی که به ملت ایران می‌شود در الویت تلاش‌های من قرار خواهد داشت و لایحه‌های گوناگون و بسیاری را در این راستا تقدیم مجلس و دیگر نهاد‌ها خواهم کرد. و به یقین از ستم بعنوان نماینده مردم استفاده خواهم کرد تا فریاد حق طلبانه مردم ایران را که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی انسان ستیز هستند را به گوش مردم و دولت سوئد و نیز جهانیان برسانم. و اینکه، مطمئن باشید زندگی را برای جمهوری اسلامی تلخ تر خواهم کرد.

ژ: اساساً چرا باید به حزب شما رای داد؟

ا: حزب ما حزبی است با ایده‌ها و ارزش‌های عملی و روشن. زیرا ما بر این باوریم که ارزش و عزت انسان‌ها تجاوز ناپذیر است. و باید تأکید کنم که ارزش انسانی در مرکزیت و قلب اهداف سیاسی ما قرار دارد. از آنجاییکه خانواده پایه و زیر بنای ساخت جامعه است، ما تنها حزبی هستیم



Kristdemokraterna

که در جهان امروز از کانون گرم خانواده پاسداری می‌کنیم و اساساً برای خانواده‌ها و بویژه حرمت انسان‌ها، اعتبار خاصی قائل هستیم. پس شخصیت‌هایی که به این ارزش‌ها باور دارند بی‌تردید به حزب ما رای خواهند داد.

ژ: انتخابات کی برگزار می‌شود و شرایط رای دادن چگونه است؟

ا: انتخابات سراسری سوئد روز یکشنبه 19 سپتامبر سال جاری برای گزینش نمایندگان مجلس، شورای استان و انجمن شهر برگزار خواهد شد. کسانی که تابعیت سوئد را دارا هستند می‌توانند در هر سه این انتخابات شرکت کنند و افرادی که دارای تابعیت نیستند و فقط اجازه

ضعف جذب گردشگر و عدم توازن میان ورود و خروج توریست به ایران.
 جاسوسی ماهواره اسرائیل تاسیسات اتمی ج.ا.
 13 سلفی جهادی بهمراه 10 بمب، 50 کیلو مواد منفجره و شماری سلاح در ایران دستگیر شدند.
 ضرب سکه یک هشتم بهار آزادی، یک گرمی.
 سیاه کردن زیتون سبز با اکسید آهن و صدور.
 سرانه مصرف آب در کشور دوبرابر و در تهران سه برابر میزان جهانی.
 سرقت کابل های مخابراتی کشور.
 خرابی سریع و شدید راه های کشور بدلیل ساخته نشدن بدست متخصصان و کار بلدان.

به سبب عدم نگهداری صحیح، 73000 تَن گندم و 13000 تَن جو فاسد شد.
 سازمان اوقاف: دانشگاه آزاد وقف نیست و هیچ مدرکی تسلیم اوقاف نکرده.
 تعطیل 50 مرکز از سیصد مرکز پزشکی قانونی بر اثر استعفای کارکنان.

در یک بده بستان، علی وکیلی راد قاتل بختیار از زندان فرانسه آزاد و به تهران بازگشت.
 نخستین شعبه بانکی با کارمندان زن در مشهد.
 5/5 میلیون نفر مبتلا به دیابت در ایران.
 پول چای! برای پیش انداختن نوبت جراحی در بیمارستان های ایران.
 در سالگرد مرگ خمینی، شرکت کنندگان مانع سخنرانی حسن خمینی شدند.

حسین موسوی سفیر پیشین ج.ا در آلمان و از اعضای هیات مذاکره کننده با اتحادیه اروپایی و آژانس انرژی هسته ای به آمریکا پناهنده شد.
 ایجاد پلیس قضایی مجازی و همچنین پلیس غیر محسوس در نیروی انتظامی.

بر اساس آمار ج.ا، سیگاری های ایران بالغ بر 22 میلیون نفر هستند.
 جنگ "سایبری" در ایران شدت می گیرد.
 تولید "کراک" در آشپزخانه ها.
 تقسیم تهران به ده فرمانداری جدید.
 شیوع بیماری های بومی ریشه کن شده در کشور.
 ده ها شرکت هرمی توسط وزارت امنیت متلاشی شد.
 پول و رشوه، حرف اول فوتبال ج.ا.
 شرکت وزرای احمدی نژاد هفته ای دو روز در درس اخلاق و ادب!
 توان خرید مردم بشدت کاهش یافت.
 با انتقال سرمایه ها به خارج و تعطیل کارخانه ها، روند افزایش بیکاری اوج صعودی یافت.



به دستاویز افزایش درآمد دولت، دریافت مالیات از مردم فزونی می گیرد.
 مهره درشت های ج.ا بدهی های بانکی خود را تصفیه نمی کنند.
 حکومت فقر مطلق بر 15 میلیون ایرانی.
 وارد کننده کالاهای اسرائیلی به ایران و فروش آن در بازارهای داخلی کیست؟
 6475 شرکت نروژی در سال 2009 میلادی ورشکسته شدند.
 هدر 11 میلیارد متر مکعب آب در کشور.
 شکست نمایشگاه ج.ا در استکهلم، سوئد.
 بطری های آب معدنی ایران، آب معمولی.
 سفارت کانادا در تهران در مظان جاسوسی.

نشست های سری آمریکا و ج.ا در ژنو از سال 2002 همچنان ادامه دارد.
 مذاکرات لبنان، سوریه و ج.ا در باره حزب الله.
 عرفان حلقه: خواندن دعای توسل شرک است.
 عرضه گوشت خوک در یک فروشگاه زنجیره ای شهر رشت.
 استفاده از نوعی کود شیمیایی خطرناک برای بزرگتر و قرمز تر کردن هندوانه ایرانی.
 دگرگونی نظام دانشگاهی کشور.
 حذف 14000 ناکسی متخلف در تهران.
 انفجار صدها خودرو گاز سوز به سبب استفاده از کپسول های گاز خانگی در ایران.
 سرعت اینترنت در ایران بسیار کم و دارای رتبه 144 در میان 152 کشور جهان.
 جنگل های کوه مره کازرون آتش گرفت و بیش از 50 هزار هکتار جنگل از بین رفت.
 فتوای قتل شیعه های حوثی یمن توسط مفتی اعظم عربستان سعودی.

رشد اقتصادی 0.9% ج.ا در سال 88 که بسیار پایین است.
 کاهش شدید حجم سپرده های غیر مدت دار.
 دستگیری 5 مبلغ وهابی هنگام خروج از ایران 110 بلوچ امان نامه دریافت کردند.
 مجلس اسلامی هر بشکه نفت را برای بودجه سال 89، 65 دلار تعیین کرد.
 کمک 250 میلیون دلاری ج.ا به گروه های عراقی اثم از شیعه، سنی، بعثی و ...
 هیچ یک از دانشگاه های ج.ا جزو چهار صد دانشگاه برتر جهان نیست.

برغم عرضه تسهیلات سخاوتمندانه، خارجیها تمایلی به سرمایه گذاری در ج.ا ندارند.
 شیوع بیماری "دوربینی چشم" در کشور.
 میزان این بیماری، سه برابر دیگر کشورها.
 آفریکام، نام آرتش آمریکا در آفریقا ست.
 ج.ا: انقلابات جهان را آمریکا بر پا کرده به جز، انقلاب اسلامی؟!
 محدودیت نقل و انتقال پول و ارز در کشور.

سازمان بورس 4000 میلیارد تومان اوراق مشارکت ملی منتشر کرد.
 ج.ا در معامله با عربستان شیعه های الحوثی یمن را رها کرد.
 نادر مدائلو دانشمند ایرانی پیشین ناسا، به جرم دریافت ده میلیون دلار و قرار دادن تکنولوژی ساخت ماهواره به ج.ا دستگیر شد.

عقل اگر میداشت

سگی به مسجد رفته بود. خادمان او را کتک میزدند که مسجد به ناپاکی کشیده است. به ایشان گفتم این حیوان بی زبان را مزیند، آخر اگر عقل میداشت که به مسجد در نمی آمد!!

سبک سنگین

گواژه

سزای جنیفر لویز

گروهی در جهان باقی، خمینی را مرتب همراه جنیفر لویز می دیدند، پریشان حال و خشمگین شکایت به مالک دوزخ بردند که چرا چنین پاداشی نصیب ابلیس پیر شده است؟ دوزخ بان پاسخ داد: او پاداش خمینی نیست. بلکه خمینی وسیله جزا و عذاب جنیفر است!



برای رهایی ایران
 به رستاخیز ایران بپیوندید
<http://www.rastakhiz.org>

● روزنامه سراسری و معتبر سوئدی «داگنس نی هتر» در باره پادشاهی و نقاط قوت و ضعف آن مصاحبه ای داشت با آروین خوشنود دبیر گروه جوانان سازمان ما و عضو هیات تحریریه آزریاد که در شماره 113 این نشریه به تاریخ یکشنبه 25 ماه آپریل 2010 به چاپ رسید.

اخبار سازمان رستاخیز ایران

● بزودی رادیو آریامهر در مالو جنوب سوئد به پخش برنامه های خود خواهد پرداخت.

● در مراسم گشایش «انجمن ایرانیان برای صلح و گفتگو»، دکتر مسعود خوشنود در باره همبستگی هواداران پادشاهی مشروطه (شهبازان) و لزوم و شرایط آن و همچنین موقعیت متزلزل و در حال سقوط جمهوری اسلامی کشتارگر سخن گفت و سپس به پرسش ها پاسخ داد.

وارث ملک کیان



و در حرکتی تبلیغی برای فروش عطر و جوارب، مدیر و مبتکر این مارک چند عکس خود با رضا پهلوی را بصورت رپرتاژ آگهی در شماره نوروزی کیهان لندن منتشر کرد که نوع لباس و دکمه

های باز پیراهن و چگونگی ایستادن رضا پهلوی در کنار آن مدیر شیک پوش، حیرت و تأسف هواداران پادشاهی مشروطه را سخت برانگیخت. و گفته شد که پول هنگفتی بابت این عکس ها به وارث ملک کیان پرداخت شده. ورود مانکن جدید به دنیای مد مبارک باد.

کلان شهر تهران

ج.ا تصمیم گرفت برای غلبه کردن به بعضی مشکلات بویژه دشواری های امنیتی تهران، بسیاری از وزارت خانه ها و سازمان های دولتی و موسسات آموزشی را به دیگر نقاط کشور منتقل کند. کارکنان این سازمان ها نیز ناگزیر باید به محل های جدید نقل مکان کنند و در صورت امتناع اخراج خواهند شد.

چه پارتی بازی ها و چه رشوه و پیشکش هایی برای ماندن در تهران خواهد شد.

حکایت شیرین کاسبی

در اقدامی تأمل برانگیز، یک آموزشگاه خصوصی پا در کفش سازمان سنجش آموزشی کشور کرد و پیش از آغاز آزمون سراسری، نام رتبه نخست تا یکصد و چهل آزمون امسال را اعلام کرد. گفتنی است که این آموزشگاه ها از میلیون ها تا صدها میلیون ریال برای انواع مختلف رشته ها از داوطلبان تحصیل در دانشگاه ها، دریافت می کنند. **بنگاه اقتصادی است یا موسسه آموزشی.**

سلمان فارسی

با آبگیری سد بتونی "سلمان فارسی" در کنار روستای "یرج"، از لایه ها و باقیمانده از یک شهر ساسانی به قدمت 2200 سال، در استان فارس، همه آثار بجای مانده از دوره هخامنشی و ساسانی زیر آب رفت. **امان از دست این سلمان فارسی.**

تأثیر عوامل مؤثر

سه عضو وزارت امنیت ج.ا حدود پنج سال پیش به دانمارک گریختند و موفق به اخذ پناهندگی از این کشور شدند.

سازمان رستاخیز ایران چند بار از بلند پایگان دانمارکی خواست که مشخصات و اطلاعات آنها را بویژه در رابطه با جاسوسان و خیرچین های مقیم اسکاندیناوی - یکی از آنها رییس دبیرخانه امنیتی اسکاندیناوی بود - اعلام کند که آن دولت نپذیرفت.

چندی پیش حسن اخوان یکی از این سه تن در پی تمهیدات ج.ا داوطلبانه به ایران بازگشت که گفته می شود همنشینی و همگویی یک دیپلمات پناهنده در این تصمیم بسیار مؤثر بوده است.

توبه گرگ مرگ است.

نکته ها

و

تازه ها

مجسمه یا بُت

نا پدید شدن شگفت انگیز تعداد زیادی از تندیس های برنزی و سنگی بسیار سنگین میداین و پارک های تهران و دیگر شهرهای کشور که برای حمل و نقل آن نیاز به جراثقال و کامیون است و نیز شکستن بعضی مجسمه های کوچکتر، گمانه زنی هایی را بوجود آورد. اما واقعیت این است که در طریقه اسلام ساختن و نگهداشتن و برپا کردن مجسمه حرام است و از مصادیق بارز بُت پرستی به شمار می رود. بنابراین چون به اخطار حزب الله توجه نشد آنها خود دست به نهی از منکر یازیدند و سارق و سرقتی در کار نبود.

به این می گویند عمل انقلابی اسلامی آخوندی حزب الله.

کینگ

در پی خود کفاشدن اسلامی، ماده مخدر کاملاً ایرانی "کینگ" توسط سپاه پاسداران اسلامی به بازار آمد. ارزانتر، کارسازتر، فراوانتر از مواد مخدر دیگر با 72 ساعت بیداری و فقط یکبار مصرف همان و معتاد شدن برای همیشه همان.

و خود کبابی اسلامی یعنی همان.

شلوارهای آلوده

به کوشش یک سازمان هوادار مشروطه پادشاهی و دخالت سرویس های اطلاعاتی و امنیتی سوئد، یک کارگزار ج.ا. در این کشور دستگیر شد.

مهدی ارباب متهم است که ابزاری با کار بردهای نظامی و اتمی برای ج.ا خریداری می کرده و معادل حدود 700 میلیون دلار به حساب او از ایران واریز شده بود. ارباب صاحب "بار" ی در سوئد است و در پوشش دو شرکت مبادرت به خرید این لوازم کرده است. گفته می شود وی از طریق یک نماینده مجلس سوئد کمکهای مالی به بعضی انجمنها و رادیو های ایرانی محلی کرده است. **باز هم بفرمایید سلطنت طلبان بیکارند.**

عیب کار

بدنبال ترور محمود المبحوح فرمانده ارشد نظامی "حماس" در دبی و جنجالی را که ج.ا به سهو و یا به عمد براه انداخت، موضوعی همچنان سر بسته باقی ماند و آن اینکه تروریست ها چگونه از مقصد و تاریخ و نام هتل المبحوح آگاهی داشتند و اساساً دولت اسرائیل از زمان و چگونگی آمد و شد رهبران پیشین سازمان حماس که به قتل رسیدند به چه نحوی مطلع شده بودند.

والله اعلم بالحقایق الامور.

بوی تند وقاحت

به همت شماری از ایرانیان مقیم سوئد، حزب دست راستی "مدرات" این کشور با کاندیداتوری مجدد رضا خلیلی دیلمی نماینده فعلی پارلمان سوئد از این حزب بدلیل شائبه همکاری او با رژیم،



مخالفت کرد. او که فاقد تحصیلات ایرانی و سوئدی است شایع است که سال گذشته در جریان انتخابات ایران نماینده شورای نگهبان در سوئد و مسئول فرم 29 بوده است و ستاد کار او در رستورانی ایرانی با غذاهای حلال بوده است.

اتفاقاً همه نمایندگان مجلس اسلامی هم مثل این بابا بی سوادند.

نشست انستیتو سیاست خارجی سوئد



انستیتو سیاست خارجی سوئد نشستی بنام «قدرت غیر نظامی در سیاست جهانی» جمعه هفتم ماه می 2010 در استکهلم برپا کرد. در این جلسه اساتیدی چند به سخنرانی پرداختند که از آن جمله استیفن کرسنر از دانشگاه استانفورد، دیوید بالدوین از دانشگاه کلمبیا، ویلیام زارتمن از دانشگاه جان هاپکینز، کریستر یونسون از دانشگاه لوند و سیسیلیا آلبین از دانشگاه اوپسالا را می توان برشمرد. آروین خوشنود کارشناس مسائل سیاسی در این گردهم آیی به تلاش های جدی جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته ای و کشتار جمعی اشاره کرد و خطرات این رژیم را برای جهان و بشریت و همچنین اینکه روابط تجاری و گفتگو با جمهوری اسلامی بی تردید سبب استحکام آن خواهد شد، را برشمرد. در این نشست شمار بسیاری از دیپلمات های مقیم سوئد و مقامات سیاسی و نظامی این کشور شرکت داشتند.

همچنین مقاله آروین خوشنود بنام «طبقه برگزیده (الیت) ایران، خواهان دموکراسی برای ایران نیست» در شماره 4 فصلنامه «اینترناشنیونلا ستودیر» انستیتو سیاست خارجی سوئد به چاپ رسید.

این جوان ها ول کن ج.ا. نیستند.

پرنده مستعمل

هوایمای توپولف 38 پیش در شوروی سابق ساخته شد و از حدود بیست سال پیش بدلیل مشکلات فنی و سقوط پیاپی آنها دیگر تولید نشد. اما شرکت های هوایی ج.ا برای باج دهی به روسیه این هوایمها را اجاره کرده و در خطوط هوایی به کار گرفتند که با سقوط آنها شمار کثیری از هموطنان ما به قتل رسیدند و سبب زیان بسیاری برای کشور شدند. مردم نیز برغم گرفتاری ها و نیازهای بسیار حاضر به استفاده از توپولف نیستند.

28 توپولف با نقایص بسیار، امروز در حال کار در کشور است که باید بی درنگ و گفتگو از سیستم پروازی خارج و به روسیه بازپس داده شود.

این همه هارت و پورت کمونیستی همین.

فیلم زندگی خمینی

طرفداران خمینی در هیات حاکمه ج.ا از سال 1375 در صدد بر آمدن تا زندگی او را "فیلم" کنند و برغم عدم توافق در باره گفته ها و ناگفته ها و نیز چگونگی تلقین و غالب کردن بعضی قصه ها و کژنمایی های تاریخی و دینی به مردم و برملا شدن بعضی پنهانکاری ها با دیگر اعضای هیات حاکمه، سرانجام ساخت این فیلم در سال 1378 کلید خورد و تا به امروز - خرداد ماه 1389 - همچنان ادامه دارد که سازندگان فیلم دلیل بدرازا کشیده شدن یازده ساله را مشکلات مالی می دانند. بنیاد سینمایی فارابی و معاونت های هنری و سینمایی وزارت ارشاد و تبلیغات اسلامی و دیگر نهاد های رژیم بی هیچ توضیحی حاضر به کمک مالی به ساخت این فیلم نیستند.

یعنی اینکه خامنه ای مخالف است.

نکته ها و تازه ها

آقازاده خور

یک باند زمین خوار به سردهستگی یکی از آقازاده های مقیم تهران پس از برملا شدن موضوع یک زمین خواری در شهر اصفهان و تشکیل پرونده قضایی، حاضر شدند 20 میلیارد ریال به معاون دادستان و از 500 میلیون تا 10 میلیارد ریال به هر یک از دیگر مجریان قضایی، قانونی و انتظامی دست اندر کار این پرونده بپردازند.

محاسبه قیمت تومانی زمین با شما.

جنگ مغلوبه است

در پی پا فشاری جمهوری آذربایجان در سیاست زدودن دین گرای در این کشور و روان شدن به سوی مدرنیته، ج.ا در مبارزه با باکو و اندیشه صدور "انقلاب اسلامی"، اقدام به راه اندازی یک کانال تلویزیونی به زبان آذری کرد و همزمان به بهبود روابط خود با ارمنستان و نیز تقویت اسلامیت های آذربایجانی پرداخت.

به این می گویند جنگ طلبی و رحمت الهی.

فاتحه آلومینیوم خوانده شد

به شکایت سازمان محیط زیست اراک و بدستور دادستان این شهر، خط تولید شماره یک کارخانه آلومینیوم سازی اراک بدلیل غیر استاندارد و قدیمی بودن تعطیل و خطوط دو تا پنج نیز بزودی تعطیل خواهند شد. به این ترتیب 317 دیگ تولید بسته و مابقی بزودی بسته خواهند شد. گفتنی اینکه اراک جزو هفت شهر بسیار آلوده کشور است.

تکلیف تولید و کارگران نیز با کرام الکتابین.

جلب پول

درآمد باده آورده و نجومی نفت و مشتقات آن، فروش داشت و بود ایران، مصادره اموال و سرمایه مردم، واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی و فروش دارایی های کشور در خارج کافی نبود رژیم دزد آخوندی با وقاحت برای چندمین بار مرتکب انتشار اوراق مشارکت عمومی یا در حقیقت "قرضه ملی" به مبلغ 11 میلیارد یورو شده است.

این اوراق سه ساله و با 8 % سود است که توسط شرکت ملی نفت تضمین شده است. این اوراق بی نام و قابل انتقال به دیگری است و بیشتر برای جلب "پول" ایرانیان مقیم خارج و سرمایه داران خارجی است.

پس برای همین نفت ملی شد؟

جبهه دیگر

دولت آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم جهانی و با بزرگ نمایی قدرت و حضور "القاعده" در کشور یمن و مقابله با شبکه این گروه، نیروهای خود را به این کشور گسیل داشت. پیش از این افغانستان، پاکستان، عراق و چند کشور دیگر به دلیل آنچه که آمریکا جنگ جهانی با تروریسم میداند، میزبان نیروهای این کشور شده اند و روشن نیست یمن در کجای این معادله قرار دارد.

بنظر می آید آمریکا در حال کشودن جبهه دیگری است و به این ترتیب جغرافیای پیکار با تروریسم جهانی تغییر و ابعاد خاصی بخود میگیرد و بی گمان دخالت مستقیم ایالات متحده بر سطره این کشور بر باب المندب خواهد انجامید که جایگاه رفیعی در استراتژی آمریکا در این منطقه دارد.

کله نکته نویس هم بوی قورمه سبزی میدهد.

مصاحبه ای بر بام استکهلم

تلویزیون دولتی سوئد برنامه ویژه ای را بگونه زنده در روزشنبه 19 ژوئن 2010 روز ازدواج شاهدخت ویکتوریا ولیعهد این کشور از بام پیرای استکهلم ترتیب داده بود و با شماری از هنرمندان، روزنامه نگاران، سیاستمداران و دولتمردان در باره پادشاهی و مسائل آن گفتگو میکرد. آروین خوشنود در این مصاحبه شرکت و به پرسش مجریان برنامه پاسخ داد.

خشم و کینه به انگلیس

در مسابقه سالانه بهترین آهنگ 2010 اروپا معروف به «یورو ویژن»، که روز شنبه هشتم خرداد ماه در اسلو پایتخت نروژ انجام شد از میان 38 کشور اروپایی شرکت کننده باضافه اسرائیل، انگلستان برغم کمک مالی بسیار به این مسابقه، و آرای که متاسفانه بر حسب مصلحت اندیشی های سیاسی و تجاری و همسایگی توسط مردم داده میشود، باز هم بروال سال های گذشته در انتهای لیست قرار گرفت.